

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com

رشته زبان و ادبیات فارسی

درس عروض و قافیه
دکتر سیروس شمیسا

تهیه کننده : جلیل مسعودی فرد
عضو هیات علمی مرکز بجنورد

معرفی طرح درس

درس عروض و قافیه از دروس تخصصی رشته زبان و ادبیات فارسی است که آموختن آن برای شناخت فنون و شگردهای وزن و قافیه ضروری است.

اهداف درس

- ۱- هدف کلی این کتاب این است که مسأله وزن بطور طبیعی در ذهن دانشجو رسوخ یابد و فنون آن ملکه ذهن شود.
- ۲- آموختن فنون تقطیع و دست یافتن به اوزان شعری .
- ۳- آموزش علم قافیه با شیوه علمی جدید.

جایگاه درس

برای دانشجویانی که می‌خواهند در زمینه ادبیات بحر و تخصصی بیابند آموزش عروض و قافیه از واجبات است.

شعر فارسی کلامی آهنگین است و عروض علمی است که از آهنگهای متنوع شعر فارسی بحث می‌کند.

هدفهای رفتاری

- ۱- در این کتاب علم عروض با شیوه جدیدی ارائه شده است. شیوه این کتاب به نحوی است که باید دقیقاً هر مطلبی آموخته شود تا مطلب بعدی فهمیده شود.
- ۲- عروض درس عملی است و با حفظ کردن سرو کار ندارد.
- ۳- شناخت فنون تقطیع برای دستیابی به وزن .
- ۴- علم قافیه نیز باید با شیوه ای کاملاً تازه بر اساس علم زبان شناسی آموخته شود.

مقدمه – فصل اول

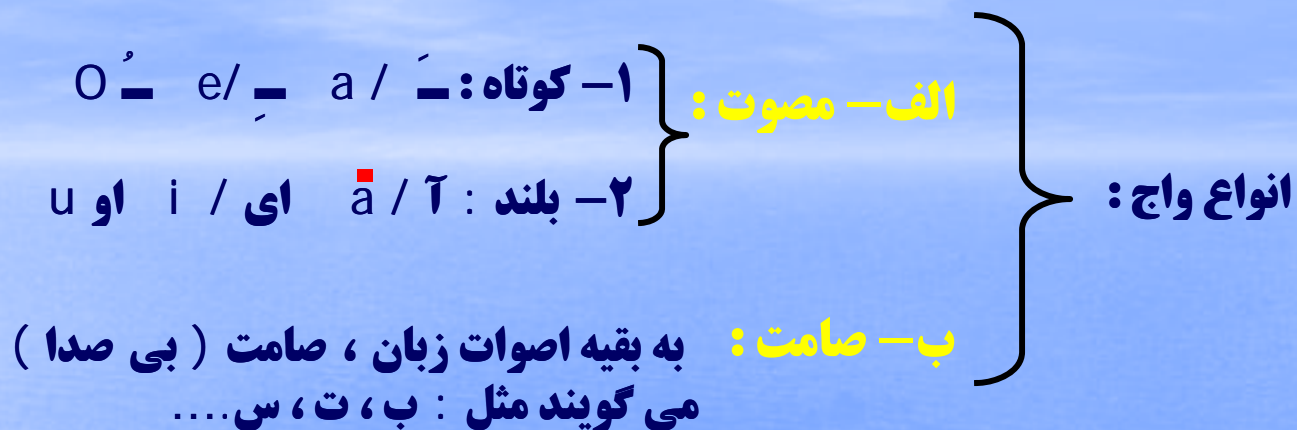
۱- شعر فارسی ، کلامی آهنگین است و عروض علمی است که از آهنگ های متنوع شعر فارسی بحث می کند.

۲- **تعریف عروض** : یکی از انواع علوم ادبی است که از وزن (آهنگ) شعر بحث می کند .

۳- تعریف وزن : شعر کلامی است مخیل و موزون . وزن نظم و تناسب خاصی است در اصوات شعر .

وزن شعر سنتی فارسی **وزن کمی** است یعنی از تناسب و تساوی هجاهای کوتاه و بلند به وجود می آید .

واک یا واج : کوچکترین واحد آوایی زبان است.



علامت مصوت کوتاه V

علامت مصوت بلند \bar{V}

علامت صامت C

هیچ صامتی بدون مصوت قابل تلفظ نیست و هیچ مصوتی بدون صامت تلفظ نمی شود .

هجا

هجا یا بخش یا سیلاب ، مجموعه ای از اصوات است که از یک مصوت و یک یا دو یا سه صامت ، تشکیل شده است . هر هجا در یک دم یا بازدم ادا می شود .

چند نکته :

- ۱- تعداد مصوت های یک کلمه ، دلالت بر تعداد هجاهای آن می کند .
- ۲- هیچ هجایی با مصوت آغاز نمی شود .
- ۳- مصوت همیشه دومین حرف هجاست .

انواع هجا:

۱- هجای کوتاه: مرکب از یک صامت و یک مصوت کوتاه CV: ب / دُ

۲- هجای بلند:

CV با / بو / بی
CVC بد / دَر

الف- مرکب از یک صامت و یک مصوت بلند
ب- مرکب از دو صامت و یک مصوت کوتاه

ادامه دارد...

۳- هجای کشیده : $\bar{\text{CVC}}$ سار / بار
الف -
ب - CVCC سرد / دَرَد

۴- هجای کشیده $\bar{\text{CVCC}}$ خاست / داشت

نکته : در عروض فقط با هجای کوتاه () و هجای بلند (-) سر و کار داریم .

آوا نویسی یا املائی عروضی :

آوا نویسی : نوشتن کلمات به خطی که در آن همه ی اصوات زبان با دقت نشان داده شود . چون در خط فارسی مصوت های کوتاه نوشته نمی شوند برای نشان دادن دقیق همه ی اصوات از خط لاتین استفاده می کنیم و مصوت های بلند را نیز دو بار تکرار می کنیم .

دار dar در daar چو Čo دور duu r

نکاتی درباره املاي عروضی

۱- در زبان فارسی هیچ کلمه ای نیست که با مصوت آغاز شود .

در کلماتی مانند : آب ، او ، این ، در آغاز یک صامت همزه وجود دارد.

این in

او uu

آب âb

ادامه دارد...

۲- "ع" عربی در فارسی در حکم همزه است .
عود uud

۳- "واو" در آخر کلمات اگر مصوت بلند "او" باشد به صورت uu
نوشته می شود :
بو buu

اما در کلماتی مثل : تو to چو Óo مصوت کوتاه o است .

ادامه دارد...

4- در کلمات مشدد ، صامتی را که دو بار می شنویم ، دوبار می نویسیم :
نچار najjââr

۵- صامت "ه" گاهی تلفظ می شود مثل : ده deh
و گاهی تلفظ نمی شود مثل : به be

۶- در زبان فارسی گاهی همزه تلفظ نمی شود. از او = ازو azo^ه

فصل دوم : تقطیع و وزن

تقطیع به معنی قطعه قطعه کردن است و در اصطلاح عروض ، بخش کردن مصراع به
هجاهای کوتاه و بلند است .

ارکان : در عروض برای مجموعه چند هجای کوتاه و بلند
قوالبی قرار داده اند که به هر یک از آنها رکن می گوئیم .

بعد از تقطیع مصراع شعر به هجاها با توجه به جدول ارکان
به جای هر چند هجا ، یک رکن قرار می دهیم (**رکن بندی**)

جدول ارکان : پر استعمال ترین ارکان بیست رکن است .
یک هجایی : **فَع** -

دو هجایی : **فَعْل** _ _ **فَع لَن** - -

سه هجایی : **فَعْلُن** _ _ **فَاعِلَن** _ - **فَعولَن** _ _
مفعولُن _ _ _ **مفعولُ** _ _

چهار هجایی : **فَاعِلَاتِن** _ _ **فَاعِلَات** _ _ **فَاعِلَاتِن** _ _
فَعِلَات _ _ **فَعِلَات** _ _ **فَعِلَات** _ _
مَفَاعِلِن _ _ **مَفَاعِلِن** _ _ **مَفَاعِلِن** _ _
مَفَاعِلِن _ _ **مَفَاعِلِن** _ _ **مَفَاعِلِن** _ _

پنج هجایی : **مَفَاعِلَاتِن** _ _ **مَفَاعِلَاتِن** _ _ **مَفَاعِلَاتِن** _ _

وزن

وزن از ترکیب ارکان به وجود می آید و دو حالت دارد :

۱- متفق الارکان : تکرار منظم یک رکن مثل : مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

۲- متناوب ارکان : تکرار متناوب و یک در میان مثل: فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن

ادامه دارد...

تذکر : البته قدما گاهی ارکان را به شیوه غیر علمی مختلف
الارکان رکن بندی کرده اند .

مثل :

مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن _ _ | _ _ | _ _ | _ _

مراحل دستیابی به وزن

- 1- تقطیع صحیح به هجاهای کوتاه و بلند .
- 2- رکن بندی : جدا کردن چهار یا سه هجا از آغاز تقطیع
- 3- رسیدن به وزن بر اساس جدول اوزان و نامگذاری آن

فهرست اوزان رایج

در شعر فارسی حدود ۳۰۰ نوع آهنگ (= وزن) وجود دارد .
علاوه بر این با ترکیب های جدید بین ارکان ، آهنگ های متعدد دیگری هم
می توان ساخت .

اما رایج ترین آهنگ ها ۳۱ وزن است که در ص ۲۲ کتاب فهرست شده است .

فصل سوم : فنون تقطیع

تقطیع درست محتاج به رعایت دقایق و نکاتی است که تحت سه عنوان قواعد، ضرورات و اختیارات از آن ها سخن خواهیم گفت .

الف-قواعد :

قاعده ۱ و ۴ کتاب : هجای کشیده را در وسط شعر به یک هجای بلند
و یک هجای کوتاه تبدیل می کنیم. — U

قاعده ۲ و ۳ : آخرین هجای هر مصراع باید هجای بلند باشد.

اگر هجای کشیده یا کوتاه بود ، به هجای بلند تبدیل می کنیم .

کشیده **کوتاه**



قاعده ۵: صدای ترکیب OW اگر قبل از مصوت قرار گیرد به O و V تجزیه میشود و صامت V جزء هجای بعدی قرار می گیرد .

بشنواز = بش - نُ - وز

قاعده ۶: در تقطیع نون ساکن بعد از مصوت بلند حذف می شود.

آن = آ _ این = ای _ نون = نو _

ب- ضرورات: تغییراتی است که به مقتضای وزن در کمیت هجاها ایجاد می شود .

قاعده ۷: مصوت های کوتاه **ا e** و **و اُ o** در آخر کلمه گاهی به ضرورت به مصوتهای بلند **ای ii** و **او u** اشباع می شوند.

که فرق / کند که ما / ه یا اوست

__ u / _ u _ u / u __

کوتاه

به ضرورت بلند

مه پاره / به بام اگر / بر آید

__ u / _ u _ u / u __

ادامه دارد...

کسره اضافه نیز گاهی تابع همین ضرورت است .

شبِ تازی / ک و بیمِ مو / ج و گردابی / چنین هایل

___ ُ / ___ ُ / ___ ُ / ___ ُ

به ضرورت بلند

به ضرورت بلند

واو عطف نیز چنین است :

صراحی گر / یه و بربط / فغان کرد

___ ُ / ___ ُ / ___ ُ

به ضرورت بلند

قاعده ۸ : مصوت های بلند ای ii و او u u اگر در آخر کلمه باشند و پیش از مصوت دیگر قرار گیرند ، گاهی به ضرورت وزن کوتاه می شوند :

بود بازر / گان و او را / طوطی پی

__ u __ / __ __ u __ / __ __ u __

به ضرورت کوتاه

تذکر : طبق ضرورت ۷ و ۸ کلمه " سوی " به چهار شکل تقطیع می شود.

u u / __ __ / u _ / _ u

قاعده ۹ : همزه ی بعد از صامت معمولاً در طی کلام حذف می شود ، اما گاهی به ضرورت

حذف نمی شود .

به من آو / رید آخر / صنم گ / ریز پارا
_ _ و / و _ و و / _ _ و / و _ و و
↓ ↓
حذف شده است حذف نشده است

بروید / ای حریفان / بکشید / یار ما را
_ _ و / و _ و و / _ _ و / و _ و و
↓
حذف نشده است

حذف همزه قاعده خاصی ندارد .

ج) اختیارات : گزینش شاعر از یکی از دو صورت ممکن ترکیب هجاها

قاعده ۱۰ : شاعر مختار است به جای فعلاتن در رکن اول هر مصراع ، فاعلاتن بیاورد .

یاد باد آن / که زما وق / تِ سفر یا / د نکرد

_ _ _ / _ _ _ / _ _ _ / _ _ _

به وداعی / دل غمدی / ده ی ما شا / د نکرد

_ _ _ / _ _ _ / _ _ _ / _ _ _

حافظ در مصراع اول به جای فعلاتن ، فاعلاتن به کار برده است .

قاعده ۱۱ : شاعر مختار است به جای دو هجای کوتاه متوالی ، یک هجای بلند بیاورد .

به این اختیار **قاعده تسکین** می گویند . (البته عکس آن صحیح نیست)

هست کلی / د در گن / ج حکیم
_ _ / _ _ / _ _

بسم الل / ه الرحم / ن الرحیم
_ _ / _ _ / _ _
_ _ _ _

در مصراع اول به جای **UU** ← **_** بکار برده است .
قاعده تسکین در همه جا قابل اعمال است جز در آغاز شعر .

ادامه دارد...

اگر دو هجای کوتاه یکی در آخر یک رکن و دیگری در رکن بعدی باشد و به جای آنها هجای بلند بیاید، شعر دچار "سگته" می شود .

سگته : آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه در حد فاصل دو رکن .

محسوس / شنیدم م / ن آواز / بریدن

__ ۰ / ۰ __ ۰ / ۰ __ ۰ / ۰ __

—

یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه

قاعده ۱۲: شاعر مختار است به جای مفتعلن _UU_ مفاعِلن _U_U_

بیاورد (و برعکس) به این **اختیار قلب** می گویند .

کیسه هنو / ز فربه است / از تو از آن / قوی دلم

UU_ / _UU_ / U_U_ / _UU_

مفتعلن مفاعِلن مفتعلن مفاعِلن

چاره چه خا / قانی اگر / کیسه رسد / به لاغری

UU_ / _UU_ / UU_ / UU_

به جای مفاعِلن ، مفتعلن به کار برده است .

این اختیار در رباعی بسیار رواج دارد .

**قاعده ۱۳ - ضرورت ۱۳ همان قاعده ۲ و ۳
است که توضیح داده شد .**

رباعی

وزن اصلی رباعی : مفعول مفاعیل مفاعیل فعل است .

_ u / u _ _ u / u _ _ u / u _ _

اما کمتر رباعی بی است که هر چهار مصراع آن به این وزن اصلی تقطیع شود، بلکه غالباً در تقطیع یک رباعی به چند وزن تقطیعی برمی خوریم (رک . به ص ۴۶ کتاب) اما همه ی این اوزان با استفاده از دو اختیار **تسکین و قلب** به اوزان اصلی تبدیل می شود .

ادامه دارد...

مثال :

از شعرم خلقی به هم آمیخته ام خوب و بدشان به هم در آمیخته ام
خود گوشه گرفته ام تماشا را، آب در خوابکه مورچگان ریخته ام
وزن رباعی _ _ / _ _ / _ _ / _ _

اختلاف مصراع اول

اختلاف مصراع دوم

اختلاف مصراع سوم

مصراع چهارم وزن اصلی است .

ترانه یا دوبیتی

وزن ترانه یا دوبیتی مفاعیلن مفاعیلن فعولن است .

___ ۰ / ___ ۰ / ___ ۰

مثال :

دل عاشق / به پیغامی / بساجه خمار آلو / ده با جامی / بساجه

___ ۰ / ___ ۰ / ___ ۰

مراکیزی / یت چشم تو / کافی است ریاضت کش / به بادامی / بساجه

پس فرق قالب ترانه با قالب رباعی ، اختلاف در وزن است .

ذو بحرین

اشعاری هستند که بتوان آن‌ها را به دو وزن تقطیع کرد .

آستی یی / بر همه عا / لم فشان

و / _وو_ / _وو_
و / _و_ / _و_

یک نفس ای / خواجه ی دا / من کشان

و / _وو_ / _وو_ 1-
و / _و_ / _و_ 2-

1- مفتعلن مفتعلن فاعلن

2- فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

وزن دوری :

گاهی رکن اول و دوم به صورت کامل تکرار می شود که به آن **وزن دوری** می گویند .

مفعول فاعلاتن // مفعول فاعلاتن

مفعول مفاعیلین // مفعول مفاعیلین

مفتعلن فاعلن // مفتعلن فاعلن

فع لن فعولن // فع لن فعولن

ادامه دارد...

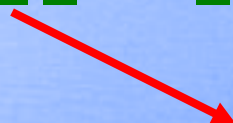
گویی هر مصراع دو مصراع هستند که به هم چسبیده اند و یک مصراع ساخته اند ، به همین علت وسط این گونه اوزان حکم پایان مصراع را دارد. (قاعده ۲ و ۳)

درمان / نکردند // مسکین / غریبان

__ _ ∪ / __ _ / __ _ ∪ / __ _

چندان / که گفتم // غم با / طبیبان

__ _ ∪ / __ _ / __ _ ∪ / __ _



هجای کشیده (_ ∪) که به هجای بلند تبدیل شده است

وزن شعر نو:

وزن یک شاخه از شعر نو که شعر نیمایی نامیده می شود عروضی است ، با این تفاوت که در شعر نیمایی تساوی طولی مصراع ها رعایت نمی شود ، یعنی ممکن است یک مصراع یک رکن و مصراع دیگر بیش از چهار رکن داشته باشد .

خانه ام ابری است فاعلاتن فع

یکسره روی زمین ابری است با آن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

نامگذاری اوزان – زحافات

در عروض سنتی بر هر وزنی نامی نهاده اند که حفظ آنها ضرورتی ندارد اما برای آشنایی مختصر به نام های اصلی اشاره می شود .

زحاف : تغییری است که به رکن وارد می شود تا از آن ، رکن دیگری منشعب شود .

زحافات مفاعلين U _ _ _ بحر هزج :

- 1- فعولن : U _ _ محذوف
- 2- مفاعلن : U _ U مقبوض
- 3- مفعول : U _ _ اُخرِب
- 4- مفعولن : _ _ _ اُخْرِم
- 5- مفاعيلن : U _ _ U مكفوف
- 6- فع : _ : اُبْتَر
- 7- فعل : U _ : مَجْبُوب

زحافات فاعلاتن _ _ _ _ _ رمل :

1_ فاعلات : _ _ _ _ _ مكفوف

2_ فاعلاتن : _ _ _ _ _ مخبون

3_ فعلات : _ _ _ _ _ مشكول

4_ فاعلن : _ _ _ _ _ محذوف

زحافات مستفعلن _ _ _ _ _ رجز :

- 1- مفتعلن : _ _ _ _ _ مطوى
2- مفاعلن : _ _ _ _ _ مخبون
3- مفعولن : _ _ _ _ _ مقطوع

زحافات فعولن U _ _ متقارب

1- فع لن : _ _ ائلم

2- فعل : U _ محذوف

مفاعن فعلاتن : مجتث مخبون

مفتعلن فاعلن : منسرح مطوی

مفتعلن مفتعلن فاعلن : سریع مطوی مکشوف

معفول فاعلات : مضارع اخب

مصراع چهار رکنی : مثنی ، سه رکنی : مسدس و دو رکنی مربع نامیده می شود .

قافیه

قافیه : کلمات متفاوتی است که در پایان مصراع ها یا ابیات قرار می گیرند و حروف آخرشان یکی است . شعر سنتی زبان فارسی **مقفی** (قافیه دار) است .

ردیف : به کلمه یا کلماتی که در آخر مصراع ها بعد از قافیه عینا تکرار شوند ردیف می گویند . شعری را که ردیف داشته باشد ، **مردف** می گویند .

قافیه درونی : اگر شعری در وسط مصراع هم ، قافیه داشته باشد ، به آن قافیه ، قافیه درونی و به آن شعر ، شعر مسجع می گویند.

مرده بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم
دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم

قافیه را در نثر ، **سجع** می گویند و نثری را که سجع دارد ، **نثر مسجع** می خوانند .

رَوَى : آخرین واک اصلی کلمه قافیه است . مانند " ز " در کلمات **آغاز و باز** برای تعیین روی باید واک های زاید را کنار گذاشت :

کتاب ها ، تاب ها

در مواردی که واک های زاید به دلیل مرکب بودن کلمات مشخص نمی شود حرف آخر را روی در نظر می گیریم .

مثلا : دانا ، شیرین

روی دو نوع است :

۱- **روی متحرک** : روی یی است که بعد از آن مصوت آمده باشد .

مثل "ت" در **کاشتم** و به آن روی **مطلق** یا **موصول** نیز می گویند و به کلمه قافیه آن **قافیه موصوله** می گویند.

۲- **روی ساکن** : روی یی است که بعد از آن مصوت نباشد ، مثل "ت" در **"دست"** به آن **مقید** نیز می گویند .

کلمه قافیه : همان کلماتی است که حروف قافیه در آن قرار دارند .

هجای قافیه : هجایی است که آخرین واک آن روی باشد . اگر بعد از روی مصوت باشد آن را حذف می کنیم . **رفتم = رفت** (هجای قافیه)

گاهی کلمه قافیه و هجای قافیه یکی هستند .

قاعده اصلی قافیه :

فقط صامت آغازی هجای قافیه قابل تغییر است و بقیه واک های آن ثابت و تغییر ناپذیر است .

مثال : نور ، سور – ما ، تمنا – من ، تن – دل ، حاصل – مغز ، نغز

ادامه دارد...

تبصره ۵ :

گاهی شاعر به سبب تنگی قافیه در هجای CVCC همسانی صامت ماقبل آخر را رعایت نمی کند و آن بر دو نوع است :

الف - همسانی از نظر رسم الخط رعایت نمی شود مثل : **وحی ، نهی**

ب - همسانی از نظر صدا رعایت نمی شود : **لطف ، عنف**

قاعده قافیه به اعتبار روی :

الف - روی مصوت بلند یا مرکب است : گیسو ، مو - کی ، پی

ب - روی صامت است : در این صورت مصوت قبل از آن باید همسان باشد .
دَر ، سَر - کَرَد ، دَرَد

البته واج های بعد از روی نیز باید یکسان باشد

اختیارات شاعری سه مورد است:

1- هرگاه روی دو هجای CVC و CVCC متحرک باشد، شاعر می تواند همسانی مصوت کوتاه هجا را رعایت نکند .

الف - بعد از روی، مصوت کوتاه آمده است: **بَرَنَد**، **شَمْرَنَد** - **بُسْتَه**، **شُسْتَه**

ب - بعد از روی، مصوت بلند آمده است: **ساجری**، **چادری** - **رِشْتیم**، **کُشتیم**

ادامه دارد...

2- اگر دو کلمه ی همسان اختلاف معنی داشته باشند ، شاعر می تواند آن ها را با هم قافیه کند :

آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد نیست باد

3- شاعر می تواند در کلماتی که بیش از یک هجا دارند ، صامت آغازین هجای قافیه را تغییر ندهد : چمن ، سمن ، هجای قافیه در هر دو کلمه "من" است .

عیوب قافیه :

قوافی معیوب ، قافیه هایی هستند که در آن ها از قانون قافیه ظاهرا مختصر انحرافی دیده می شود . اما می توان صحت آن را هم به نحوی توجیه کرد . از این رو با قافیه ی غلط فرق می کند .

عیوب معروف قافیه :

1- **اکفا** : روی کلمات قافیه در تلفظ یکسان اما در رسم الخط متفاوتند :

چراغ ، فراق

یا در تلفظ نزدیک به همدند : مرگ ، ترک

2- **اقوا** : ناهمسان بودن مصوت کوتاه در دو هجای قافیه CVC (**توجیه**) و $CVCC$ (**حدو**)

است . معنبر ، مجاور - **گُفت** ، **شگفت**

3- ابطاء: عیبی است که در قافیه شدن کلمات مرکب پیش می آید .

الف - ابطای جلی یا آشکار و آن وقتی است که تکرار جزء دوم کلمه آشکار باشد .
دانشمند ، حاجتمند (دانش ، حاجت هم قافیه نیستند)

ادامه دارد...

ب - ایطای خفی یا پنهان و آن وقتی است که تکرار جزء دوم کلمه
چندان آشکار نیست . رنجور ، مزدور (رنج ، مزد)

4- شایگان : تکرار نشانه های جمع : خوبان ، رندان (خوب ، رند)

ادامه دارد...

5- **غُلُو** : روی در یک قافیه ساکن و در قافیه دیگر متحرک باشد .

صلاح کار کجا و من خراب کجا بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا

6- **اختلاف حرف قید** : همچنانکه که گفته شد در هجای CVCC گاهی

شاعر همسانی حرف قید (C ما قبل آخر) را رعایت نمی کند :

قلب ، ضرب

قافیه بدیعی :

قافیه یی است که در آن صنعتی ادبی باشد یا نوآوری و ابداعی اعمال شده باشد .

بر سه نوع است :

۱- اعنات یا لزوم ما لایلزم : شاعر علاوه بر هماهنگی هجای قافیه ، هماهنگی هجا یا هجاهای قبلی را هم رعایت می کند :

شمایل ، حمایل ، قبایل (شاعر می توانست خوشدل را هم بکار ببرد)

ادامه دارد...

2- **تجنیس** : در محل قافیه از انواع جناس استفاده شود :

زان بود در پیش شاهان دورباش که ای شده نزدیک شاهان ، دورباش

3- **قافیه معموله** : شاعر در ساخت قافیه با عملی ابتکاری حرفی جز حرف اصلی را روی شعر قرار دهد.

ادامه دارد...

و آن بر سه صورت است:

الف- از ترکیب دو کلمه: **چالاک**، **حاشاک** (حاشا + ک)

ب- از تجزیه یک کلمه: **خور آینه**، **هر آینه** (**آینه** ردیف است و **هر** را از آن جدا کرده است.)

ج- از تجزیه و ترکیب دو کلمه: **تشنه یافت**، **حیاش نیافت** ("ن"
حرف روی و **یافت** ردیف است.)

حروف و حرکات قافیه

قافیه در اصل یک حرف است و هشت آن را تبع
چهار پیش و چهار پس این مرکز آن ها دایره
حرف تاسیس و دخیل و ردف و قید آن گه روی
بعد از آن وصل و خروج است و مزید و نایره

ادامه دارد...

در این شعر مراد از یک حرف ، **حرف روی** است ، حروف پیش از قافیه را با حرکات قافیه توضیح می دهیم و حروف بعد از روی به ترتیب **وصل** و **خروج** و **مزید** و **نایره** نامیده می شود که همسانی آنها از واجبات است .

ادامه دارد...

حرکات قافیه:

رس و اشباع و حذو و توجیه است باز مجری و بعد از وست نفاذ
در هجای CV : **روی موصول** است و V حرکت **مجری** یعنی به حرکت حرف
روی مجری می گفتند: **به ، چه** (کسره مجری است)

هجای CVC : به C **روی** و به V **توجیه** می گفتند . **پس و مس** (فتحه توجیه)

ادامه دارد...

هجای : CV̄ به V̄ روی می گفتند و قبل از V̄ ، مصوت کوتاهی در تقدیر می گرفتند که همان **توجیه** است .

از این رو CV̄ همان حکم CVC را دارد .

تمنا = ا : روی ، فتحه آن **توجیه** است .

ادامه دارد...

هجای CVCC: C آخر روی و C ما قبل آخر **حرف قید** و V **حذو** است.

مرد، سرد د: روی ر: حرف قید فتحه حذو

هجای [—]CVC: C روی و V ردف اصلی و مصوت کوتاه قبل از آن حذو است. این هجا نیز معادل CVCC است.

سار – دار ر: روی ا: ردف اصلی فتحه آن حذو

ادامه دارد...

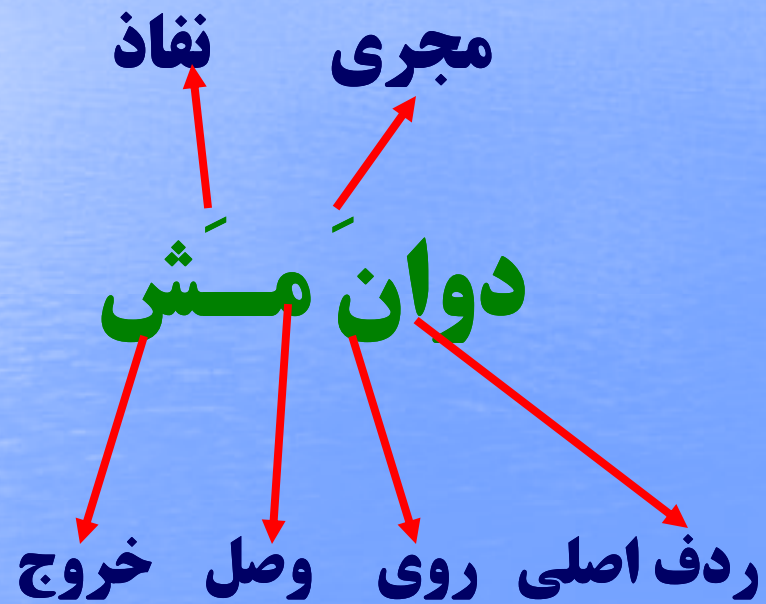
هجای \bar{CVC} :

\bar{C} آخر روی و C ما قبل آخر ردف زاید و \bar{V} ردف اصلی و مجموع \bar{VC} ردف مرکب است .

داشت و کاشت ت : روی ش : ردف زاید
۱ : ردف اصلی اش : ردف مرکب است .

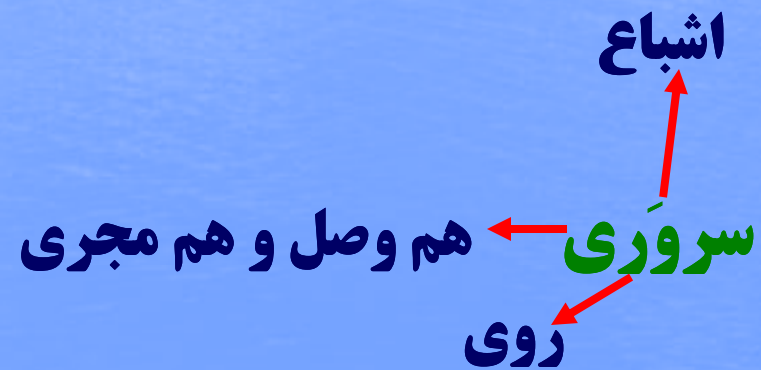
به قافیه یی که حرف ردف داشته باشد ، **مردّف** می گفتند .

همچنان که ذکر شد حروف بعد از روی به ترتیب **وصل** و **خروج** و **مزید** و **نایره** نام دارند. به حرکت همه این حروف **نفاذ** می گفتند .



اگر کلمه قافیه دو هجایی $C\bar{V}+CVC$ (شامل) با $C\bar{V}+C\bar{V}$ (ساقی) باشد و \bar{V} الف باشد به آن **الف تاسیس** می گفتند و به قافیه یی که الف تاسیس داشت **موسسه** می گفتند .

به فتحه مقدر ماقبل الف تاسیس **رَسِّ** می گفتند : **شامل**
اشباع : حرکت قبل از روی موصوله است .



دال و ذال : هر دالی که ما قبل آن مصوت باشد در قدیم ذال تلفظ می شده است .
بوذ – بذ

کلمات مختوم به دال با کلمات مختوم به ذال قافیه نمی شده اند .
اما **بدید** و **شنید** در قدیم مختوم به ذال بوده است و با **لذید** قافیه می شده است .

واو و یای معروف و مجهول:

در قدیم علاوه بر دو مصوت بلند u و i دو مصوت \hat{O} و \hat{E} هم وجود داشته است که به آن ها واو و یای مجهول می گفتند: **ستور، پوست، شیر، سیب**.

شاعران قدیم واو و یای معلوم را با واو و یای مجهول به سبب تفاوت در آهنگ و صدا قافیه نمی کردند.

برخی از یاهای مجهول :

ی نکره ، ی شرط و جواب ، ی فعل استمراری ، ی زاید (خدای ، پای)

برخی از یاهای معروف : ی مصدری ، نسبت ، خطاب ، لیاقت

یای کلمات ممال هم در قدیم مجهول بوده است از این رو هر کلمه ای که با آنها قافیه شده باشد یای مجهول دارد.

کتیب (کتاب) و دلفریب

امروزه فرقی بین معروف و مجهول نیست .

واو معدوله : مصوت کوتاه 0 در کلماتی مانند : **خود** ، **خوش** ، **خورد** ،
واو معدوله نامیده می شود و در قدیم a تلفظ می شده است .
خود با **بَد** قافیه می شده است .

پایان

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com